

دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

در دفاع از اعتراضات مردم در کردستان عراق!

دامنه اعتراضات برحق مردم محروم کردستان عراق به همه شهر و شهرک ها، به مراکز تحصیلی و آموزشی، مراکز کاری و اداری و بیمارستانها و... کشیده شده است. ابعاد اعتراضات و اعتصابات و تجمعات اقشار محروم کردستان عراق علیه حاکمان بورژوازی کرد، علیه دزدی و چپاول بی حد و حصر آنها از ثروت آن جامعه و از نان شب و جیب خالی مردم محروم، علیه فقر و بی حقوقی مطلق طبقه کارگر، معلمین و کارمندان و اکثریت عظیم نیروی کارکن آن جامعه، پایه های حاکمیت ناسیونالیستهای کرد را به لرزه در آورده است.

امروز و درست در شرایطی که اقلیتی بورژوا سرمایه های هنگفتی به جیب زده اند، درست در شرایطی که دارائیهای رهبران احزاب ناسیونالیست کرد سر به میلیاردها دلار زده است، اکثریت بزرگی از مردم این جامعه از کارگر و معلم و کارمند و ... ماهها است حتی حقوق ماهانه خود را نگرفته اند و به نان شب محتاج اند. امروز گرسنگی و فقر جان کودکان در کردستان را تهدید میکند و میلیونها انسان آن جامعه، همان نیرویی که تولید ثروت و کل امکانات جامعه بر دوش آنها و با جان کندن آنها تامین شده است، خود برای لقمه نانی بانگ اعتراض سر می دهند.

دامنه دزدی و فساد و چپاول از جانب حاکمان بورژوا و همدستان مختلف آنها به جایی رسیده است که دیگر پرده شرمی را باقی نگذاشته است و خود به آن اذعان دارند. امروز دیگر هر کارگر و معلم و زن و جوان آزاده ای پوچی ادعاهای مسخره برادری مردم کرد زبان با منافع مشترک را، به عنوان عوام فریبی محض با گوشت و پوست خود درک کرده است. ... ص ۲ ←



مژده؛ میلیونها کارگر  
"اغتشاشگر" دارید!

فواد عبداللهی

سلیقه ای در جناح بندی های راست و چپ سرمایه است. در این دو سال بورژوازی ایران در رکاب دولت خویش هرچه در چنته داشت متحدانه و آگاهانه سر کارگر خالی کرد تا در پناه لفاظی هایی چون "گشایش سیاسی و اقتصادی"، "شکوفایی و رونق" و "اقتصاد مقاومتی"،... طبقه ما را به زندگی در جهنم موجود قانع کند. اما نگرفت! معلوم شد که رفع خطر جنگ و لغو تحریم ها علیه ایران، الزاما به معنی تامین رفاه و بهبود و امنیت و خوشبختی طبقه کارگر نیست. ... ص ۳ ←

جنگ علیه ایران برطرف شده، چپ و راست دم از "سرمایه گذاری و شکوفایی" میزنند، اما تا نوبت به دستمزد کارگر و مطالبات رفاهی طبقه ما میرسد شاخکهای امنیتی بورژوازی و دولتش تیز میشوند و ارگانهای سرکوب را جلو می اندازند! امروز همه میدانیم که دولت اعتدال، دولت بورژوازی ایران در پوشش "امنیت ملی" به قصد پاسداری از منافع سرمایه و سرمایه دار است. این دولت "فخیمه"، سکاندار منافع سیاسی و طبقاتی بورژوازی ایران، علیرغم هر تفاوت تاکتیکی و

کمتر از یکماه به معرکه انتخابات مجلس شورای اسلامی مانده، نهاد بسیج اقدام به مانوری با عنوان "برخورد با کارگران اغتشاش گر" در استان گلستان از نواحی گرگان کرده است. توجه فرمائید: "کارگران اغتشاش گر"!

۱- چرا نهادهای امنیتی چنین دولتی که مثلا با ظاهر "اعتدال و امید" سر کار آمده، اینگونه فیوزشان پریده و چماق می کشند؟! چه خطری را در این دوران بو کرده اند که از حالا برای کارگران خط و نشان میکشند و "مانور گارد ویژه" را علم میکنند؟! امروز که ظاهرا "گشایش اقتصادی" شده، دارایی ها و سرمایه های عظیم آزاد گشته، تحریم ها رفع شده، خطر

بورژوازی ایران درآینه  
رویاهای برجام!

مصطفی اسدپور



تولید در ایران را شکل داده است. کافی است به خاطر آورد که این رشته یک میلیون کارگر در ایران را در اختیار دارد. پس از نفت و فرآورده های نفتی بزرگترین کالای صادراتی ایران بحساب میاید. نیازها و ملزومات تولید و فروش و سودآوری فرش در خانواده طبقه حاکم در ایران ریشه های تاریخی و قوی دارد... ص ۴

انتظار صنعت فرش ایران گواه گویای واقعیت برجام نمیتواند باشد. فرش در ایران، آنچه به آن "صنعت" فرش در ایران اطلاق میشود، بخش مهمی از ساختار

در چهارچوب تبلیغات و پروپاگاندا سیاسی توافقتنامه برجام چیزی کمتر از یک "معجزه" با برکاتی بیشتر از ظهور موعود امام زمان نیست. برجام بشارت عقل و درایت و صلح و همزیستی به فضای سیاسی ایران نام گرفته است. با برجام لیست مشاهیر تاریخ ایران در حال بازنویسی است و امیر کبیر و مصدق باید به مدال برنز رضایت بدهند. در رهگذر هیاهوی معیارها و سلیقه ها، اما هر چه که میگردد بیشتر عریان میگردد که هسته اصلی برجام هنوز در جای دیگر، در نقش عملی آن در دنیای تولید است. در این میان هیچ چیز به اندازه مزدگانی آینده درخشان در

صفحات ویژه کنگره ۸ حزب

یادداشتی به کمونیست های حاضر و

غایب در کنگره حکمتیست ها

مظفر محمدی صفحه ۵

قرار پیشنهادی کمیته رهبری به کنگره ۸ حزب صفحه ۵

قرار در مورد مقررات تغییر در

اسناد پایه ای حزب

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## دردفاع از اعتراضات مردم کردستان...

امروز و در شرایطی که دامنه اعتراضات محرومان آن جامعه کل کردستان عراق را فرا گرفته است و ادامه حاکمیت احزاب بورژوازی کرد با مخاطرات جدی روبرو شده است، بار دیگر دو شاخه از همان سیستم بورژوازی حاکم، جریان "گوران" (تغییر) و حزب "یک گرتوی اسلامی" (اتحاد اسلامی) به تکاپو افتاده اند تا دوباره و به نام منتقد حاکمیتی که خود بخشی از آن اند، تحرکات برحق مردم برای آزادی و رفاه و یک زندگی انسانی را دستمایه معامله خود با بقیه احزاب در حاکمیت قرار دهند. تلاش میکنند نوک تیز اعتراض مردم به فقر و فلاکت را از کل حاکمیت به سوی یکی از احزاب حاکم، یعنی بارزانی، متوجه کنند و خود از زیر تیغ تعرض طبقه کارگر و مردم محروم جامعه جان سالم بدر برند.

موفقیت مردم زحمتکش کردستان عراق و تامین حداقلی از مطالبات بر حق آنها و ممانعت از به کجراه بردن دوباره این اعتراضات توسط احزاب بورژوازی، در گرو این است که کمونیستها، کارگران و رهبران آنها، آزادیخواهان و برابری طلبان آن جامعه، تجارب تاکنونی خود در جدال و کشمکش با بورژوازی کرد حاکم را به خودآگاهی صفوف خود تبدیل و تثبیت کنند، در راس این تحرکات قرار بگیرند و با هوشیاری نه تنها موفقیت آنرا تضمین کنند بلکه و بعلاوه موقعیت طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه در مقابل بورژوازی حاکم را بهبود بخشند. بی تردید موفقیت در این اعتراضات در گرو میزان هوشیاری، سازمانیافتگی آن، استقلال صف اعتراض مردم زحمتکش و اتکای آن به رهبران واقعی و نمایندگان منتخب و مستقل خود، تعیین افق پیروزی آن حول آزادیهای سیاسی، پرداخت فوری حقوقهای مردم، تامین فوری امکانات

رفاهی و تحمیل آن به بورژوازی کرد و تغییر توازن قوا به نفع طبقه کارگر و محرومان جامعه برای کسب موفقیت‌های بیشتر است.

## مردم زحمتکش کردستان ایران! کارگران، آزادیخواهان!

گرسنگی، بخش وسیعی از مردم زحمتکش کردستان عراق را تهدید میکند. در کردستانی که ثروت عظیمی در دستان اقلیتی بورژوا جمع شده است، کودکان خانواده های کارگری و اقشار زحمتکش به شیر خشک محتاج اند. مردم کردستان عراق علیه فقر و محرومیت گسترده ای که توسط ناسیونالیستهای حاکم، توسط "دولت اقلیم کردستان" به آنها تحمیل شده است، در سرتاسر کردستان عراق دست به اعتصابات و تجمعات و تظاهرات زده اند. دفاع از این مردم، دفاع از زندگی قابل تحمل و انسانی برای آنها وظیفه ما است. شما در دوره های مختلف از مردم آواره این منطقه دفاع کرده اید، از مردم آواره کوبانی، شنگال و... در همین دوره اخیر دفاع کرده اید. امروز گرسنگی، زندگی مردم کردستان عراق را تهدید میکند و از شما توقع این است که به هر صورت که مناسب میدانید از اعتراضات انسانی و شرافتمندانه آنها دفاع کنید. شما دیروز علیه داعش و ترکیه و... از مردم کوبانی و شنگال و... دفاع کردید و اما امروز این حزب بارزانی و طالبانی و گوران و اسلامی ها، این احزاب ناسیونالیست و بورژوازی کرد اند که جان و هستی مردم این منطقه را با مخاطرات جدی طرف کرده اند.

توقع این است علیه این احزاب و دفاع از زن و جوان و کودک و مردم کارگر و زحمتکش این منطقه برای تامین حداقلی از زندگی دفاع کرد. این توفقی است که از شما میروود و نباید از آنها دریغ کرد.

## کارگران، مردم آزادیخواه!

طی بیست و پنج سال گذشته تجربه "دولت کرد" در کردستان عراق، آخرین بارقه های پوچی "منفعت مشترک کردها"، پوچی برادری کارگر و بورژوازی کرد، پوچی همسرنوشتی طبقات مختلف جامعه به نام "کرد" را در مقابل چشمان ما نشان میدهد. این حقیقت یک بار دیگر این حکم پایه ای کمونیستها را به همه نشان میدهد که بورژوازی خوب و بد نداریم. تجربه حاکمیت احزاب مسلح ناسیونالیست کرد و نقشی که آنها در استثمار بی حد و حصر طبقه کارگر و مردم زحمتکش کردستان عراق داشته اند، نقشی که آنها در ترور و کشتار زنان، در تحمیل فقر مطلق و بی حقوقی کامل اکثریت مردم داشته اند، باید حقایق جامعه طبقاتی را که بارها ما کمونیستها بر آن تاکید داشته ایم را به همه نشان داده باشد. حقایقی که به روشنی میگویند ما کارگران و محرومان جامعه تنها در اتحاد خود مستقل از هر دین و مذهبی که داشته یا نداشته باشیم و مستقل از هر زبانی که با آن تکلم میکنیم و مستقل از هر رنگ و نژادی که داریم در مقابل بورژوازی یک منفعت مشترک داریم و یک طبقه واحد هستیم. امروز همه احزاب ناسیونالیست کرد ایران که در کردستان عراق مستقراند، عملاً و رسماً در کنار احزاب ناسیونالیست کرد عراق قرار گرفته اند. آنها در برابر تمام بی حقوقی مردم کردستان عراق، در برابر دزدی و چپاول ثروت و سامان آن جامعه توسط احزاب ناسیونالیست هم جنبشی خود، سکوت اختیار کرده اند. حتی زمانی که کارگران و معلمان، کارمندان و مردم زحمتکش و حتی پلیس حافظ احزاب ناسیونالیست کرد از عمق بی حقوقی و فقر، علیه بورژوازی کرد حاکم دست به اعتراض زده و خواهان زندگی انسانی هستند، سکوت کرده اند. آنها نگران طبقه کارگر

کردستان عراق و مردم زحمتکش آن جامعه نیستند، آنها نگران رشد حق طلبی و حق خواهی طبقه کارگر کردستان عراق و متحد شدن و آگاه شدن آنها به منافع مشترک خود و قد علم کردن آنها برای احقاق حقوق خود هستند.

ما کارگران و زحمتکشان کردستان ایران علاوه بر اینکه از دل این حقایق باید صف خود را خودآگاه کنیم، سموم ناسیونالیستی و قومی و مذهبی را به عنوان عوامل تفرقه در میان خود بزائیم، باید از هم طبقه ای های خود در آن منطقه دفاع کنیم. شما کارگران و مردم محروم در کردستان ایران و هر جای دنیا در مقابل طبقه بورژوا در لباس "کرد، فارس، ترک، عرب، انگلیسی و عراقی و فرانسوی" یک منفعت مشترک دارید. درک این حقیقت و تبدیل آن به خودآگاهی کارگران یکی از ملزومات پاره شدن زنجیرهای استثمار است. لازم است به هر شیوه ای که مناسب میدانید صدای همبستگی خود را به گوش طبقه کارگر در کردستان عراق، به گوش مردم ستمدیده و معترضی برسانید که امروز برای ابتدایی ترین مطالبات انسانی خود دست به اعتراض و اعتصابات گسترده در مقابل بورژوازی کرد زده اند.

حزب حکمیتست با تمام نیرو و توان خود در منعکس کردن صدای اعتراض مردم معترض کردستان عراق، در جلب حمایت از این اعتراض و در کمک به کمونیستها در کردستان عراق برای سازمان دادن گسترده ترین و قدرتمندترین اعتراض تلاش میکند.

دفتر کردستان حزب کمونیست  
کارگری - حکمیتست (خط رسمی)  
۱۳ فوریه ۲۰۱۶

# قدرت طبقه کارگر در تخریب و تشکل اوست!

## مژده؛ میلیونها کارگر...

برجام نه تنها نانی به سفره معیشت کارگر اضافه نکرده، بلکه با کش دادن شرایط بحرانی موجود، عملاً تعرض به کارگران را سازمان داده است. معاون اول رییس جمهور عیدی بازنشسته‌ها را "بچه بازی" خواند، وزیر مسکن اعتراض به گرانی را "تفکر سوسیالیستی" میدانند و از مجلس میخواهند این بساط را جمع کند. یادشان می‌افتد که "آقا" نیز خود زمانی بر سر رفاه و سعادت و آزادی جامعه، بر سر دفاع از زندگی بهتر کارگر با کمونیستها "پلمیک" داشته! و بالاخره فرمایشات وزیر کار که فرموده اند: "برای سال آینده باید مزدی را تعیین کنیم که به کارفرما فشار وارد نشود." اکنون با افتادن پرده رتوریک "گشایش اقتصادی و سیاسی" دولت، طرح "گارد ضد اغتشاش" جهت مقابله با خطر عروج مطالبات رفاهی طبقه کارگر و دخالتش در صحن جامعه را هم روی میز کار نهادهای اطلاعاتی و امنیتی دولت اعتدل و "امید" بگذارید تا لیست مربوطه تکمیل شود.

### ۲- کارگران!

جُرم ما این است که می‌خواهیم حداقل دستمزهایمان توسط نمایندگان واقعی خودمان تعیین شوند، جُرم ما اینست که خواهان پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد هستیم، جُرم ما اینست که می‌خواهیم ۳۰ ساعت کار در هفته فوراً برقرار شود، جُرم ما اینست که آزادی اعتصاب و تشکل و تحزب می‌خواهیم، جُرم ما اینست که از برابری بی‌قید و شرط زن و مرد دفاع میکنیم، جُرم ما اینست که اعلام میکنیم که مجازات اعدام باید فوراً لغو شود، و در یک کلام، گناه ما این است که رفاه و آزادی میخواهیم. اگر اینها مطالبات "کارگران اغتشاش گر" است، و امنیت نظام را به خطر می‌اندازد، بسیار خوب در اینصورت مژده که میلیونها میلیون "کارگر اغتشاشگر" با "تفکر سوسیالیستی" در جامعه ایران دارید! این آن پتانسیل عظیمی است که جنبش کارگری ایران در خود دارد. این

آن قدرت مترامکی است که اگر روی هر تک بند مطالباتش متحزب شود، کمر بورژوازی و دولت آن را می‌شکند. این آن نیروی عظیم و بالقوه‌ای است که اگر به انتخاب خویش آگاه شود، رهایی خود و سایر بخشهای جامعه را تضمین و تامین میکند.

### ۳- کارگران!

اینکه برجام و کیش دادن اوضاع تنها برای حراست از سرمایه بکار می‌رود، و کماکان آن مسائلی که اکثریت مردم را به صلابه کشیده و به ستوه آورده مسائل و مطالبات بلاواسطه اقتصادی اند، عیان تر از هر زمانی است. مطالباتی که بخش اعظم بورژوازی ایران در مقابلش آگاهانه در کمیته مشترکی بنام دولت اعتدل، متحدانه جمع شده اند و تا آخرین قطره خونشان در برابر آزادی و رفاهیات به طبقه ما مقاومت میکنند. کله گنده هایشان متوجه شده اند که تحمیل فقر و استبداد بیش از این با وعده های پوچ گشایش و "فرصت بدهید" و ... بیش از این کارا نیست، و از اینکه در این مملکت کارگر در مبارزه اش برای رفاه و آزادی و امنیت سراغ رادیکالترین جواب، سراغ جنبش طبقاتی خودش، کمونیسم می‌رود، لرزه بر اندامشان انداخته و گرنه اینهمه هشدار به همدیگر در مورد خطر کمونیسم در میان کارگران، این اعلام جنگ با کارگر و سوسیالیسم و بالاخره عر و تیز "گارد ویژه برخورد با کارگر اغتشاش گر" لازم نبود. حقیقتاً، اینروزها ترس و وحشت اردوی سرمایه از سراسری شدن و سازمانیابی این مطالبات در بخش های کلیدی طبقه ما، یک واقعیت انکار ناپذیر است.

مانورهای امنیتی این اوباشان، از همین الان با نیت ایجاد آمادگی سیستماتیک در سرکوب خطر کمونیسم و تحزب کارگران در سیر تحولات سیاسی آتی است. این گونه تحرکات، اگر نشان از خطر اعتراض طبقه کارگر است، اگر پتانسیل عظیم طبقه ما علیه بورژوازی و دولتش را گوشزد میکند اما همزمان درجه آمادگی دولت برای تعرض مستقیم به مبارزه متحزب و

سازمانیافته طبقه کارگر، را نشان می‌دهد. می‌خواهند "روی" کارگر نفت را کم کنند و حسابشان را با کارگران صنایع کلیدی که اگر عزم کنند نفس جمهوری اسلامی را می‌بُزند، روشن کنند.

### ۴- کارگران!

تمام تلاش ما حکمتیستها در این مقطع دو ساله از عمر دولت اعتدل، اعلام حقایقی بود که امروز ثابت شده است. ما گفتیم که سر هم آمدن شکاف این رژیم با غرب و با لغو تحریمها، مستمسک "فضای جنگی" و "فقر و گرانی و تورم ناشی از تحریمها" هم پوچ میشود؛ گفتیم که رقصیدن و پایکوبی اینها گذرا است، ورق بر خواهد گشت، و بهترین شرایط جهت گسترش اعتراض و مبارزه برای رفاه، آزادی و امنیت مهیا میشود. ما گفتیم، تمام جریاناتی که به زندگی و سبک مبارزه در این شکاف خو کرده بودند، دود میشوند و به هوا می‌روند. امروز صحت تمام این گفته‌ها از روز روشن تر است. در تمام این دوره تنها ما و طبقه ما در کنار هم علیه کل اردوی ارتجاع سرمایه، ماندیم و به مبارزه طبقاتی خود ادامه داده ایم. معلوم شد که مسله معیشت و رفاه طبقه ما و لگام زدن به ارباب، استبداد، استثمار، آپارتاید جنسی و ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی امر هیچکدام از بخشهای بورژوازی ایران نیست. از قضا، ظرفیت ارتجاعی اپوزیسیون بورژوایی ایران در حراج کردن حتی هر ذره‌ای از آزادی های سیاسی و اجتماعی در پیشگاه جمهوری اسلامی، افشا شد.

به این اعتبار، مضاف آتی، جدال مستقیم طبقه کارگر ایران و کمونیسم این طبقه با کل بورژوازی ایران در قامت جمهوری اسلامی است. منطق حاکمیت سرمایه در ایران چیزی جز این نیست که بند ناف هر مطالبه اقتصادی را نهایتاً به سیاست گره می‌زنند و با دولت و نهادهای سرکوبگر آن روبرو میشود. این صحنه جدال مستقیم طبقاتی با دولت را باید تشخیص داد و آماده رودروی اجتماعی متحدانه و متحزب با آن شد. پاسخ این

دوران ما غلبه بر ضعف پراکندگی در مبارزات طبقه کارگر و به میدان کشاندن نیروی متحزب و تعیین کننده طبقه ما است. امروز بورژوازی ایران هدف و استراتژی خود را در دولت اعتدل سازمان داده و به این اعتبار پاسدار عدم تغییر وضع موجود به نفع طبقه کارگر و حفظ امنیت سیاسی و اقتصادی سرمایه است. بر همین اساس هم به سمت انتخاباتشان می‌روند. برای طبقه ما هم دفاع از معیشت و رفاه، حفظ امنیت فعالین و رهبران خود، بدون پس زدن تعرض سیاسی - ایدئولوژیک دولت بورژوازی و مبلغین آن امکان پذیر نیست. طبقه ما در جنگ با بورژوازی باید جامعه را در ابعاد وسیع پشت سر سیاست خود بیاورد. بدون هدایت و رهبری کردن مبارزه‌ای گسترده و متحد، نه فقط بر سر معیشت و رفاه، که بر سر آزادی، عدالت اجتماعی، برابری زن، حق کودک، علیه اعدام و ... نمیتوان پوزه دولت را به خاک مالید. باید در عرصه عملی ثابت کرد که بورژوازی آنقدر گنبدیده است که حتی عاجز از عطای کوچکترین و کمترین رفهمهایی است که زمانی بر عهده اش بود. راه حل دیگری وجود ندارد. هر درجه تلاش در این زمینه مستقیماً در مبارزه بلاواسطه اقتصادی طبقه کارگر هم منعکس میشود.

۵- امروز بیش از همیشه دوره انتخاب است و طبقه کارگر نیز با انتخاب سیاسی خود روبه رو است. لازمه پیشبرد و هدایت منسجم مبارزات طبقه کارگر، وجود سازمان منضبط و سراسری حرفه‌ای ترین رهبران عملی کارگری و کمونیست‌ها است. حزب حکمتیست - خط رسمی همه کارگران آگاه و مبارز را به عضویت در صفوف خویش فرا میخواند. این حزبی است که مصمم است تا در پیشاپیش صفوف طبقه کارگر "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به پرچم مبارزه توده‌های میلیونی علیه سرمایه داری و بنای جامعه نوین تبدیل کند.

حکمتیست رادیکال کارگران برسانید!

## بورژوازی ایران درآینه ...

منت جمهوری اسلامی بر تولیدات فرش در ایران مرزی نمیشناسد. این نه فقط به خاطر اصلاحیه های قانون کار که رسماً کارگاههای قالی بافی را از همان محدوده ناچیز حمایت قانونی کارگران معاف ساخته است، نه فقط به خاطر تسهیلات گمرکی و انواع سوبسیدهای دولتی؛ بلکه اساساً بخاطر فراهم آوردن زمینه های اجتماعی لازم برای این رشته تولیدی و کسب وجهه برای چرخاندگان آن است.

با همه زخم های عمیق تولیدات صنعتی بر تن طبقه کارگر جهانی، اما هنوز اطلاق عبارت "صنعت" به تولیدات فرش بخاطر طنین مثبت این عبارت در راهی انسانها از کاریدی و بکارگیری ابزار تولید، یک دروغ شنیع است. در سه دهه گذشته، بیغوله های قالی بافی با همان کراهت قرون وسطایی از روستاها به شهرها منتقل شده است. دستمزدهای ناچیز و بیکاری و عدم حمایتی اجتماعی به یکباره صدها هزار دار قالی بافی را به اسارتگاه زنان و کودکان طبقه کارگر در ایران تبدیل ساخت که در بدترین شرایط ممکن با دست خالی و با خون و اشک و شیره جانسان سود بیافرینند. در دل مجادلات امروز در حاشیه برجرام نمایندگان تشکلهای کارفرمایی فرش بافی در جلوی صحنه سیاسی صف بسته اند؛ افتخارات ملی تاکنونی خود را به رخ میکشند و تصویر مطلوب خود از برجرام را ترسیم میکنند.

پشت میکروفون بخش "آبرومند" بورژوازی ایرانی ایستاده است. اینها نه رانتخوار بلکه اهل تولید هستند. اینها در دوران بحران و تحریمها هنوز چهل میلیون دلار سود را در مبادلات بازرگانی در بیلان سالانه خود دارند. اینها راه و چاه روابط بین الملل را خوب میدانند. از قبل تحولات جدید و تهددات دولت معتدل به روابط بین المللی و با ثبت رسمی مراکز مهم

فرش ایران حق انحصاری نقشه های ویژه فرش ایرانی دیگر توسط رقبای چینی و پاکستانی محفوظ خواهند بود. اینها برنامه عملی تصرف مجدد امریکا بعنوان بزرگترین بازار فرش ایرانی را مهیا دارند. ... اما زبانشان برای کوچکترین وعده بهبود به کارگران خالق این ثروتها لال است. لولای گذشته بحران زده و آینده رونق موعود چیزی جز کارگر ارزان وطنی را تشکیل نمیدهد.

دوره وعده های بورژوازی هر چند کاذب، دوره تحمیق کارگر به امید واهی وطن مشترک خیلی وقت است به پایان رسیده است. دنیای سیاست تا مغز استخوان ضد کارگر در ایران هیچ وقت و در بهترین حالت از همدردی لمپنانه نسبت به طبقه کارگر فرارفته است. اما هنوز سوال اینستکه اینهمه منت بر سر طبقه کارگر بر چه چیزی استوار است؟ همه هنر طبقه بورژوا و حکومت آنها به تحویل طبقه کارگر خودی به بهره کشی برده وار خلاصه میگردد. درس اول مبارزه طبقاتی به هر کارگر جوانی حکم میکند که انصاف و انسانیت پدیده طبقاتی است. اما در این میان خونسردی طبقه حاکم و دولت و حتی افکار عمومی نسبت به شرایط کار و استثمار حاکم بر کارگاههای قالی بافی واقعا نوبر است. آیا ساده ترین پرنسیپهای انسانی و دفاع از حقوق هموعان تا چه رسد به اولین پایه های اتحادیه کارگری بر مهر و موم تمامی کارگاههای قالی بافی کفایت نمیداشت؟

اما مراکز تولیدی اسفناک تنها مربوط به قالی بافیها نیست. بحران سه دهه اخیر را باید دوران عقبگرد اقتصادی - تولیدی نام نهاد که در آن نیروی کار ارزان و بی پناه راه را بر سخیف ترین بهره کشی ها باز کرده است. در دل یک جامعه مدرن که انتظار می رود ماشین بسیاری از وظایف کمر شکن سنتی را بگیرد، رایج شدن دباغی و حفر چاهها با کلنگ، کلفتی

## رفاه؛

### (بخشی از "منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- رفاه، فراغت، تفریح، آسایش و امنیت، حق حیات و مصونیت جسمی و روحی فرد از هر نوع تعرض ابتدایی ترین حق و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی است. برای تامین رفاه در اولین قدم مطالبات فوری زیر را، که بسرعت قابل تامین است، باید به نیرو و قدرت متحد و متشکل خود تحمیل کرد.

- تعیین حداقل دستمزد، توسط نمایندگان کارگران

- بالا رفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم

- برقرار فوری حداقل ۳۰ ساعت کار در هفته (۵ روز شش ساعته)

- تعطیلی دو روز متوالی در هفته

- پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد به همه افراد فاقد شغل بالای ۱۶ سال

- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال

- پرداخت بیمه بازنشستگی دولتی، معادل حداقل دستمزد به همه افراد بالای ۵۵ سالی که فاقد حقوق بازنشستگی هستند

- حق برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون داشتن فرد از صدمات و بیماری ها، حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه. ارایه خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و فرهنگی

- تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان، تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است.

- تعیین حقوق مقامات سیاسی و اداری کشور (نمایندگان مجلس، شهرداران، استانداران، فرمانداران، قضات دادگاهها و...) برابر با مزد متوسط کارگر.

- در جهان امروز رفاه بدون احترام به محیط زیست و حفاظت از آن، عملی نیست. از این رو حق برخورداری از یک محیط زیست امن و سالم، حق بی چون چرای همگان است.

تنها نمونه هایی از یک پدیده خفت آور در آن جامعه است. در ایران تعداد بسیار زیادی از معادن از دور خارج شده از قبل کار ارزان کارگرانی که در تشابه با موش کور با چنگ و دندان استخراج سودآور معادن را تضمین میسازند تنها با اردوگاههای کار اجباری نازیستی قابل مقایسه است. به این لیست هنوز باید کار کودکان و قربانیان تن فروشی را اضافه کرد.

تاریخ سه دهه اخیر ایران گواه گویای ظرفیتهای طبقه بورژوا برای تبدیل یک سرزمین بزرگ صنعتی به جولانگاه فقر و فلاکت و تباهی برای طبقه کارگر آنهم در دل یک شتاب تولیدی خیره کننده است. ایران بیشتر از آنکه گواه قوانین کور منطق سود و سرمایه باشد؛ گواه ظرفیتهای ضد کارگری و ضد انسانی بورژوازی حاکم بر

آنست. ایران در قرق یک حکومت هار ضد کارگری است. اما بیشتر از هر وقت دیگر خیزش و چاره جویی را به امر عاجل این طبقه تبدیل ساخته است. بزودی و با پایان تشریفات و هیاهو بالاخره و خواه ناخواه نوبت به پرده اقتصادی خواهد رسید. برجام در هر گام که بتواند جلو بردارد، به همان اندازه کارگر را در مراکز بزرگ کارگری مجتمع میسازد. برجام در هر گام که در هسته اصلی اقتصادی خود پیش رود کارگران را به تقابل میطلبد. بورژوازی ایران هر رویایی در سر داشته باشد، طبقه کارگر نمیتواند از تسریع این پروسه خشنود نباشد.

کارگران در مصافهای پیش روی خود جز زنجیرهای خود چیزی برای از دست دادن ندارند.

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر جمهوری اسلامی!

## یادداشتی به کمونیست‌های حاضر و غایب در کنگره حکمتیست‌ها

مظفر محمدی



قرار پیشنهادی کمیته رهبری به کنگره هشتم حزب حکمتیست (خط رسمی)

## قرار در مورد مقررات تغییر در اسناد پایه ای حزب

مقدمه: حزب حکمتیست در استراتژی و تاکتیک، اساسا متکی به برنامه و اساسنامه حزب است. برنامه و اساسنامه حزب، اسناد هویتی حزب اند. علاوه بر این وجوه، نام حزب، بیانگر و انعکاس تاریخ شکل گیری و پیوستگی گذشته حزب با آینده آن است و آن را منعکس میکند. از این رو این مشخصات، هویت پایدار حزب است و تغییر آنها نمی تواند با رای گیری حاصل هر اقلیت اکثریت نسبی در هیچ نشست حزبی، تغییر کند. تغییر موازین استراتژیکی حزب و هویت های پایدار حزب، تنها در شرایط خاصی که قرار زیر معلوم کرده است، ممکن است.

- ۱- اسناد پایه ای و هویتی حزب ( برنامه، اساسنامه، نام حزب) فقط به تقاضای نیمی از نمایندگان هر کنگره در دستور کنگره های حزب قرار خواهد گرفت.
- ۲- تصویب این اسناد به دو سوم آرا حاضر در کنگره نیاز دارد.

طول حیات ما کمونیست های این دوره باید این اتفاق بیفتد نه بعد از آن. حزب قدرتمند این دوره، تصویر قدرتمندی از خود به جامعه می دهد. سیاستهایش، کادرها و شخصیت هایش، توانایی و تخصص در سازماندهی و حفظ امنیتش، پتانسیل نظامی اش، گارد آزادی و کنترل محلاتش ... همه و همه باید تصویر این قدرت باشند. این تصویر را تنها ما بخش خارج کشوری حکمتیست ها نمی تواند به جامعه بدهد. مگر این که با تصویری که کمونیست ها و رهبران کارگری و اجتماعی در ایران از خود می دهند، یکی شده باشد.

اگر بپذیریم که در دوره و شرایط متفاوتی قرار داریم. پس باید جوابگوی نیازهای این دوره بود. حزب و کادر و شخصیت چه در اینجا و چه در داخل، در این دورانی که ما زندگی می کنیم تعریف کلاسیک ندارد. تبلیغ، ترویج، سازماندهی در این دوره با دوران احزاب کمونیست قدیم در ایران و حتی حزب بلشویک فرق می کند.

تبلیغ، ترویج، سازماندهی کار سوزنی و بروم یکی یکی ادم ها را ساغ کنم نیست. این را قاعداها هر کمونیستی در هر شرایطی و در روابط خود با دیگران می کند یا باید بکند ... ←

کند. کمونیسمی که اتحاد کارگر نه تنها امرش نیست بلکه مدام تلاش کرده است که بخشهایی از کارگران را از طبقه خود کنده و پشت بورژوازی ببرد و یا طبقه کارگر را با سیاست ضد رژیم، به انحراف بکشاند. در نتیجه می خواهیم بگویم که مخاطب ما کمونیست ها و رهبران جامعه است. امید به آن ها و آنجا است. اگر نبض ما با نبض جامعه و کمونیست های جامعه نزند، توقع زیادی از پیشرفت نمیتوان داشت.

در تجربه شخصی من و زمانی که تنه ام به تنه کمونیست های جامعه می خورد، هر بار آشنایی و همفکری و مشورت و توافق و همکاری و تعهدهایی که بهمیدیگر میدهیم شور انگیز است. اما همیشه و در خلوت خودم فکر می کنم که این دوستان چه شانس دارند در جامعه ای زندگی می کنند که به جای یک نفر اینجا و دونهفر آنجا، توده عظیمی از انسانهای تشنه آگاهی جلو دست شان قرار گرفته است، به آنها غبطه می خورم و پیش خودم می گویم، باید رفت و بجای اینکه امروز دو نفر را چهار نفر کنیم...، تعداد بیشتری و توده وسیع تری را مخاطب قرار داد و بسیج کرد و سازمان داد. این کار را همه ما باید بکنیم. آنها هم در

کنگره و چه قبل و بعد از آن در عرصه سیاست طبقه کارگر را نمایندگی می کند و افق سیاسی روشن را پیش پای طبقه کارگر می گذارد. ما معتقدیم که این کار را چه تاریخا و در دوره حکمت و چه تا کنون بدرجه زیادی انجام داده ایم. اما قاضی در اینجا فقط ما نیستیم. این قضاوت را کمونیستهای جامعه هم باید داشته باشند. اگر نه حتما کار در جایی می لنگد. و این کمونیست های جامعه است که به ما می گویند کجای کار می لنگد و یا کدام سیاست و افق در جامعه پراتیک می شود و نیرو جمع می کند و این نیرو خودبخود جمع نمی شود.

ما کسانی نیستیم که در جامعه نورا فشان می کنیم و در نتیجه خودبخود همه جا روشن می شود. اگر کارگران و کمونیست های جامعه این سیاست ها را نپذیرند و به سیاست خود و پراتیک اجتماعی و جذب نیروی عظیم اجتماعی تبدیل نکنند، از روشنایی خبری نیست. شکی نیست موانع زیاد است از جمله اغتشاش فکری و سیاسی در صفوف چپ بدلیل سیاستهای غیر کمونیستی و غیر کارگری و بورژوازی تحت نام کمونیسم در ایران. اما شمش سیاسی و طبقاتی بالایی نمی خواهد تا تشخیص داده شود چه درست و چه نادرست است و تفاوت ها کجا است. البته ما موظفیم این تفاوت ها را به روشنی و صراحت به جامعه اعلام کنیم و این کار را می کنیم.

طبقه کارگر امروز به کمونیسم و حزب سیاسی ای نیاز دارد که لنگر عظیم تمایز منفعت طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی در مقابل اپوزیسیون چپ و راست باشد. طبقه کارگر باید به کمونیسم بورژوازی و خرده بورژوازی که خود عامل اغتشاش و تفرقه است تا اتحاد کارگر، پشت

در آستانه هر تجمع و از جمله کنگره ما، معمولا با این سوال مواجه می شویم که کنگره چکار می کند و توقع از آن چیست؟ این بخودی خود سوال معتبری است. اما این سوال زمانی جواب واقعی می گیرد که حول هر تحولی در حزب از مبانی فکری تا سیاست ها و تاکتیکهایش، طیفی و صفی از کارگران و کمونیست ها و رهبران جامعه، جمع و متحد شوند.

در سنت چپ ایران، احزاب و جریانها و حتی شخصیت های سیاسی خود را به جای جامعه می نشانند و خود را نیرو محرکه و موتور کوچک بحرکت در آوردن جامعه بزرگ می پندارند. نقطه شروع وعزیمت این چپ نه جامعه، بلکه خود و سازمان خود است. وقتی صحبت از وظایف کمونیست ها هم هست مخاطب خودشان و نه کمونیست ها و رهبران جامعه در محل کار و زیست کارگران است. جلسات گروهی و یا پلنوم ها و کنگره های این چپ، بخودی خود نقطه عطف و شروعی برای تحولات اجتماعی به حساب می آید. در حالی که در دنیای واقعی این تجمعات به نام کمونیسم و کارگر و جامعه، اگر انعکاسی از وضع طبقه کارگر و جامعه نباشد و رنگ آن را نگرفته باشد، انعکاس مباحث و مسابلس با هر تزیین و تهییج و تعریف از خودی، فراتر از دیوار سالن ها و اطاق های این تجمعات نمی رود.

منظور این نیست که احزاب و گروه های کوچک و بزرگ و حتی شخصیتهای کمونیست هیچ وظیفه ای برای خود در قبال جامعه قرار نمی دهند. اما این وظایف هر چه باشد و ابعادش هر اندازه وسیع یا کوچک باشد، جز با چفت شدن با جامعه و جنبش ها و انسان ها و کارگران و کمونیست هایش راه به جایی نمی برد. حزب ما حکمتیست ها چه در

# آزادی؛

## (بخشی از "منشور فراه، آزادی و امنیت مردم ایران")

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تأمین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی - سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابرند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

این ها جزو بدیهیات و نیاز اولیه است و ربطی به شرایط و اوضاع و احوال معینی ندارد در همه شرایط لازم است. باید به حزب جامعه تبدیل شد. و کمونیست های ایران اند که می توانند و کاری می کنند که این اتفاق بیفتد. این دوران از نظر من دوره عروج طبقه کارگر و کمونیسم اش است. دوره عروج چپ در جامعه است. گروه های چپ و مارکسیست از حلقه های مطالعاتی آکادمیک و محفل گرا به سیاست و پراتیک اجتماعی روی آورده اند. کمونیست ها دارند تلفیق کار مخفی و علنی را تجربه می کنند و پیشرفت خود را در حوزه علنی و اجتماعی می دانند. روشنفکران کمونیست در محافل و شبکه های خود متحد می شوند و خود را بخشی و متعلق به صف کمونیسم کارگران می دانند. کتاب و جزوات کمونیستی و مارکسیستی مخفی و علنی وسیعاً منتشر و پخش می شوند. مباحث مارکسیستی به روزنامه های پر تیراژ دست یافته است. پر فروش ترین کتاب در دوره اخیر کتابهای چپ و مارکسیستی است. هزاران نسخه مانیفست و کاپیتال چاپ و به فروش رسیده و باز نایاب شده و جامعه بیشترش را می طلبد. حزب گریزی سابق که محصول چپ غیر کارگری و غیر کمونیستی است، کم تر شده و چپ ها در مورد احزاب چپ و کمونیست در اپوزیسیون حرف می زنند و قضاوت می کنند. حزب کمونیست کارگری و رهبری اش را بخشی از و متعلق به یک جنبش دمکراتیک می نامند که جناح راست دمکرات ها و سکولارها را تغذیه می کند. کومه له و حزب کمونیست ایران را جناح چپ ناسیونالیسم کرد می نامند. ادبیات چپ غیر متحزب را خوراک محافلی از روشنفکران می دانند که به درد کارگر نمی خورد...

کورش مدرسی: "... بحث بر سر وظایف طبقه کارگر نیست. وظایف کمونیست ها است. طبقه کارگر بدون کمونیستهایش به جایی نمی رسد. کمونیست ها وجدان آگاه طبقه کارگر اند. دخالت طبقه کارگر در سیاست مثل طبقات دیگر از کانال حزب سیاسی انجام می شود و وقتی صحبت از وظایف کمونیست ها است منظور کمونیستهای متحزب است نه کمونیستهای پراکنده و سازمان نیافته و غیر حزبی...

اولین و مهمترین مساله برای کمونیست ها و برای طبقه کارگر تأمین رهبری کمونیستی برای جامعه است. رهبری که جامعه ان را قبول داشته باشد. کمونیستی که رهبر مردم نباشد، کمونیست نیست. کمونیسم و رهبر کمونیستی نقطه رجوعش جامعه است نه تشکیلات.

کمونیست ها محتاج صف وسیعی از اکتویست ها و فعالین سیاسی و اجتماعی و مسوولین و سازماندهندگان تشکیلاتی اند. اینها ماشین حزب را می سازند. اما بدون بک رهبر اجتماعی، رهبری که جامعه او را رهبر خود بدانند، این ماشین جانی نخواهد داشت...

با وجود همه این ها این نوع کمونیسم و چپ بدون متحزب شدن در حزب سیاسی کمونیستی، بدون بسیج عمومی، بدون بحرکت در آوردن مردم، بدون قرار گرفتن در رهبری و راس جنبش های از قبیل جنبش نارضایتی عمومی و علیه فقر و گرسنگی و گرانی

سوالی که ما باید جواب بدهیم این است که آیا می توانیم جامعه را صاحب صفی از رهبران طراز اول کمونیست کنیم؟

رهبر نیمه وقت و نیمه دل با اولویتهای متفاوت و چندگانه به جایی نمی رسد. صف رهبران در هر دوره از میان کسانی که قدم جلو می گذارند و فلسفه زندگی شان را ایفای نقش قرار می دهند بدست می آید.

آیا کسانی هستند که فلسفه زندگی شان را ایفای نقش در زندگی میلیون ها انسان بدانند؟ کسانی هستند که ملزومات ایفای چنین نقشی را فراهم کنند؟ خطرات، محدودیت ها، فشارها، و محرومیت های ناشی از ایفای این نقش را با آغوش باز تحمل کنند و به استقبال آن بروند...

کمونیسم بدون رهبران شناخته شده اجتماعی توده ای و جسور به جایی نمی رسد. کمونیست هایی که در صف اول نبرد حضور دارند و جسارت دارند تصمیم میگیرند مردم را به کاری فرار می خوانند از کاری منع می کنند و سرنوشت شان را به سرنوشت میلیون ها انسانی که می خواهند در زندگی آنها نقش بازی کنند گره بزنند...

هدف ما باید این باشد که انقلاب را در طول حیات خود سازمان دهیم تا هم نسل ما و هم نسل های بعدی نجات پیدا کنند. افق رشد انقلاب تا در یک روز موعود افق رستاخیز مذهبی است و کسی را به دنبال خود نخواهد کشید.

# کارگران جهان متحد شوید!

## Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

اهم وظایف کمونیست‌ها عبارتند از:

- دخالت کردن در سیاست‌های جاری جامعه، چفت شدن به اعتراض مردم، تعریف پیروزی و تامین رهبری توده‌ای و اجتماعی کمونیستی. به تحرک در آوردن جامعه و متشکل و متحد کردن پرچم پیروزی طبقه کارگر. - سازماندهی مقاومت در مقابل هر تحول غیر منتظره، کنترل محله، گارد آزادی...

- تصرف سیاسی و سازمانی کردستان. کردستان پایگاه ناسیونالیسم و بورژوازی نیست. منطقه‌ای است که کمونیست‌ها در آن تاریخ دارند، نفوذ دارند، قدرت دارند و می‌توانند بعنوان یک اهرم قدرت در انقلاب اتی ایران ان را بکار برند. کمونیسم قدرتمند در کردستان مستقیماً به تهران وصل است.

- کمونیست‌ها باید از همه امکاناتی که کردستان دارد استفاده کنند. بعنوان رهبر مردم عروج کنند. یک حزب توده‌ای بوجود آورند و گارد آزادی در ابعاد وسیع سازمان دهد. حزب

قدرتمند با پتانسیل نظامی و حضور نظامی در کردستان.

- دفاع از مارکسیسم، متمایز کردن مجدد کمونیسم در مقابل ناسیونالیسم چپ. وقتی از کمونیست‌ها صحبت می‌کنیم، ناچاریم به موقعیت کمونیسم به عنوان یک خط فکری هم دفاع کنیم. تا وقتی منصور حکمت بود و تا وقتی که حزب کمونیست کارگری زیر فشار ناسیونالیسم چپ چند شقه نشده بود، جامعه کمابیش تصویر روشن و تثبیت شده‌ای از مارکسیسم و کمونیسم داشت و وقتی صحبت از کمونیسم می‌شد کمابیش کمونیسم کارگری مد نظر بود.

این تصویر و این تمایز امروز بهم ریخته است. اگر قبلاً برای جدا کردن خود از کمونیسم رایج، حزب توده و چپ سنتی، ناچار شدیم از عبارت کمونیسم کارگری استفاده کنیم، امروز خود کمونیسم کارگری همین عدم تعین را یافته است. همه پرت و پلاهایی که رهبری جدید حزب کمونیست کارگری منتشر میکند هم، متأسفانه به اسم کمونیسم منتشر

میشود. این موقعیت نه تنها اعتبار کمونیسم را کاهش داده بلکه سردرگمی وسیعتری را در میان کمونیست‌ها و فعالین کمونیست بوجود آورده است. بدون افشای کامل بنیادهای فکری و نتایج سیاسی و عملی این جریان، منسجم کردن مجدد نیروی کمونیست‌ها بسیار دشوار خواهد بود.

در نتیجه یک حلقه مهم در کوبیدن میخ کمونیسم مارکس و لنین و حکمت، تعرض به بنیادهای فکری و سیاسی کل اپوزیسیون بورژوازی از راست تا چپ، و از جمله سیاست و خط فکری رهبری جدید حزب کمونیست کارگری، است. ...

کمونیسم ما ناچار است مجدداً در بطن یک دوران بشدت متحول سیاسی که اقدامات عاجل سیاسی را ضروری میکند از شفافیت و تیزی نظری مارکسیسم دفاع کند و مانع اغتشاش فکری در جنبش کمونیستی شود. ما سنت این کار را داریم، سابقه اش را

داریم، خطش را داریم و توانش را داریم. ما باید تضمین کنیم که هر کس در ایران میخواهد نقش رهبری کمونیستی را ایفا کند خود را مجدداً با کمونیسم ما، کمونیسم مارکس تداومی کند و خودش را نیازمند پیوستن به ما و به این حزب ببیند.

یک نقطه قدرت خط ما دست بالا داشتن خط ما در کانونهای فکری کمونیستی در شهرهای اصلی ایران است. این دست بالا داشتن باید مبنای پیدا کردن هژمونی کامل فکری و سیاسی این خط بر فضای فکری چپ جامعه بشود. پیشروی انقلاب سوسیالیستی در گرو تضمین این هژمونی فکری است..."

این افق و سیاست‌ها و وظایف، ناظر بر کنگره ۸ حزب حکمتیت‌ها است. حزبی که نقطه رجوعش جامعه و نقطه اتکانش کارگران کمونیست و کمونیست‌های انقلابی جامعه است. اگر چه کنگره ما علنی نیست، اما جای هیچ کمونیست و حکمتیستی در این کنگره خالی نیست. آینده از آن ما است اگر همه با هم و دست در دست هم به انجام و پراتیک این افق و وظایف بپردازیم.

حکمتیت را بخوانید، توزیع و پخش

کنید! حکمتیت را

بدست کارگران برسانید!

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیت مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه‌ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان‌های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

"شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"  
را بدست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/Hekmatist Manshour.html>

# زنده باد انقلاب کارگری!

سازمان مرکزی حکمتیت

حکمتیت

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com